

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد سه‌گانه نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام

مریم مقیمی*، هادی خانیکی**، سید علی اصغر سلطانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

چکیده

مقاله پیش‌رو با هدف تحلیل گفتمان انتقادی و شناسایی ابعاد و نشانه‌های نفرت پراکنی زنان علیه زنان در صفحات کاربران زن در شبکه اینستاگرام به نگارش درآمده است و از دریچه پرداخت به ابعاد نفرت پراکنی به مفهوم مرکزی نفرت پراکنی دست یابیم. به این منظور با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی تئون ای. ون‌دایک، فرم کار ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای انتخاب شده در نظر گرفته شد. نتایج نشان می‌دهد که تحلیل و بررسی پست‌های بررسی شده حاکی از سه نوع خشونت است: علیه تبعیض و نظام مردسالاری، علیه نهاد خانواده و نقش سنتی زنان و در نهایت رستگاری به سمت ارزش‌های فمینیستی و مدرن از دریچه تخریب و علیه ارزش‌های سنتی و تلاش برای شکستن قفس سنت‌ها. در برآیند کلی مطالعه گفتمانی صفحات مورد بررسی، مشخص گردید که دال مرکزی مجموع پست‌های مطالعه شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی بودن» است. زن باید در جامعه حضور داشته باشد. حضور زن در جامعه منتج به آگاهی زنانه شده، برابری جنسیتی رخ خواهد داد. دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «نفی جمع‌گرایی»، «روابط جنسی» و «برابری جنسیتی» منظومه گفتمانی کاربران زن را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، مردسالاری، زنان علیه زنان، اینستاگرام، نفرت پراکنی، ابعاد

نفرت پراکنی

* گروه علوم ارتباطات، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول).

moghimi333@gmail.com

** استاد علوم ارتباطات. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران

*** دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

مقدمه

نفرت‌آفرینی نقض هرگونه آزادی بیان، حقوق افراد و گروه‌ها، حقوق اقلیت‌ها و همچنین مفاهیم کرامت، آزادی و برابری است. در قوانین ملی و بین‌المللی، نفرت‌پراکنی سخنی است که تحریک به آسیب رساندن به دیگری یا طرح بیانی حاوی تبعیض، تعصب یا خشونت است و یا از آن حمایت می‌کند و هدف آن گروهی اجتماعی یا جمعیتی خاص بوده، و سخنانی است که از اقدامات خشونت‌آمیز حمایت می‌کند یا به بروز اینگونه اقدامات تهدید یا تشویق می‌کند. البته نفرت‌پراکنی فقط به این موارد محدود نمی‌شود. به نظر برخی، مفهوم نفرت‌پراکنی به اظهاراتی بسط داده می‌شود، که تقویت‌کننده فضای تعصب و نبود رواداری است، که بر اساس این فرض که این تعصب‌ها ممکن است سبب تشدید حملات خشونت‌آمیز، خصومت و تبعیض هدفمند شود (گلیردونه و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱).

یکی از مضامینی که در فضای مجازی مطرح است، «نفرت‌انگیزی‌های اینترنتی» است. نفرت‌انگیزی پدیده‌ای نوظهور است. یکی از شبکه‌های اجتماعی محبوب در میان کاربران ایرانی و دنبال‌کنندگان که در آن به تعامل می‌پردازند، اینستاگرام است. اینستاگرام به عنوان شبکه دوسویه‌ای است که در آن عکس و ویدیو به اشتراک گذاشته می‌شود و هم به عنوان فضای تعامل در نزد کاربران شناخته شده است. محبوبیت اینستاگرام میان کاربران ایرانی علی‌الخصوص زنان رو به افزایش است. (بیچرانلو و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴). از این حیث مطالعه اخیر متمرکز بر این مسئله است.

از آنجا که اینستاگرام نزدیک به یک دهه است که فعالیت می‌کند و دارای یک پلتفرم کاربر پسند است، در تمام دنیا به شکل چشمگیری مورد علاقه کاربران قرار گرفته است و تعداد کاربران اینستاگرام دائماً در حال رشد می‌باشد. بنابر اعلام سایت استاتستا، در سال ۲۰۲۰ اینستاگرام یک میلیارد کاربر فعال در ماه دارد. استوری

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۷۳

اینستاگرام یکی از عوامل محبوبیت اینستاگرام به شمار می آید که روزانه ۵۰۰ میلیون نفر از آن استفاده می کنند. بیشترین تعداد کاربران در ایالات متحده آمریکا، با ۱۱۰ میلیون کاربر است. در رتبه‌های بعدی، برزیل با ۶۶ میلیون کاربر و هند با ۶۴ میلیون کاربر قرار دارند. ایران با ۲۴ میلیون کاربر فعال در رتبه هشتم جهان بعد از ژاپن و قبل از انگلستان قرار دارد (<https://www.statista.com> به تاریخ سوم دی ماه ۱۳۹۹).

بنابراین با توجه به اینکه اینستاگرام بعد از تلگرام محبوب‌ترین شبکه اجتماعی در ایران است، تصور می شود تعداد کاربران ایرانی اینستاگرام به بیش از ۳۰ میلیون نفر رسیده باشد (حسینی و کلاتری، ۱۳۹۶: ۳۵).

مطالعه شبکه اجتماعی اینستاگرام از این جهت مهم است، که شبکه اجتماعی اینستاگرام دارای ابعاد مثبت و منفی است. ابعاد مثبت آن شامل، فضایی است برای ارتباطات فرهنگی، تبادل فرهنگی، شناخت خود از دیگران، عرضه کردن محصولات و تبلیغات در حالی که بعد منفی آن ایجاد فضایی است، برای نمایش، رقابت، چشم‌وهم‌چشمی، نفرت‌انگیزی، خشونت، تبعیض و تعصب علیه دیگران و به خصوص زنان ایجاد شده است.

از این جهت مطالعه در حوزه نفرت‌انگیزی علیه زنان جدی است، که زنان در دنیای واقعی بسیار مورد خشونت و تبعیض قرار می‌گیرند، و این خشونت و تبعیض در دنیای واقعی به فضای مجازی نیز منتقل می‌شود. پتانسیل‌های موجود در اینستاگرام فضای گفتمان‌هایی را فراهم می‌کند که به ضرر گروه‌های خاصی از مردم به خصوص زنان است. نمونه‌هایی از این گفتگوها شامل قلدری، محتوای توهین‌آمیز و سخنان نفرت‌پراکن است. این گفتمان‌های متنفرانه به سرعت به عنوان یک مشکل جدی شناخته شد. مقامات برخی کشورها شبکه‌های اجتماعی را فضایی برای بحث‌های التهابی که معمولاً «ما» را در برابر «آنها»، قرار می‌دهد، تشخیص دادند. امری که در بسیاری موارد زبان توهین‌آمیز ایجاد می‌کند (Mondal, 2018: 112).

سخن گفتن از نفرت در ارتباطات اجتماعی یک حوزه پژوهشی فعال بوده است (Delgado & Stefancic, 2004). شبکه‌های اجتماعی مجازی برای پایان رساندن خشونت در فضای مجازی از سیاست‌های خاصی، در این فضا استفاده می‌کنند، اینستاگرام نیز از این امر مستثنی نیست و مقابله با نفرت انگیزی را در دستور کارش قرار گرفته داده است. در دنیای مجازی و شبکه اجتماعی اینستاگرام خشونت و تبعیض اشاعه می‌یابد و گویی فضای مجازی عرصه‌ای برای تقابل‌های خشونت و تعصب زنان بر علیه زنان شده است. بنابر آنچه بیان شد هدف اصلی تحقیق حاضر تحلیل گفتمان انتقادی و شناسایی ابعاد و نشانه‌های نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان در صفحات کاربران زن در شبکه اینستاگرام به نگارش درآمده است و از دریچه پرداخت به ابعاد نفرت‌پراکنی به مفهوم مرکزی نفرت‌پراکنی دست یابیم. به دیگر بیان مسئله اصلی پژوهش حاضر این است مولفه‌های اصلی نفرت‌پراکنی در متن‌های کاربران زن کدامند؟ چه گفتمان‌هایی بر محتواهای منتشر شده زنان در اینستاگرام حاکم است؟

مطالعات پیشین

مژده کیانی (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان هویت جنسیتی کاربران شبکه‌های اجتماعی؛ تحلیل گفتمان کامنت‌های کاربران شبکه‌های اینستاگرام و تلگرام انجام داده است. این تحقیق با هدف تحلیل واقعیت و بازنمایی هویت جنسیتی کاربران فضای مجازی با استفاده از روش کیفی تحلیل گفتمان بر اساس مدل فیسک به تحلیل سطوح هویت جنسیتی کاربران پرداخته است. روش نمونه‌گیری هدفمند بود. نمونه تحلیل، پست و کامنت‌های کاربران زن و مرد شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از آبان تا اسفند ماه سال ۱۳۹۶ بود. پست و کامنت‌های ۳۰۰ کاربر زن و مرد با روش‌های رایج در تحلیل گفتمان بررسی شده است. تحلیل پست و کامنت‌های کاربران نشان داد که کاربران زن، کامنت‌های بیشتری به ثبت رسانده‌اند. بر اساس یافته‌های این مطالعه،

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۷۵

مردان پست های بیشتری ثبت می کنند. نتایج به تقویت این مفهوم که «زنان در شبکه های اجتماعی آنلاین، بیشتر حمایت و تأیید می کنند» منجر شد. نتایج این مطالعه نشان داد که زنان به اشتراک موضوع های شخصی تر تمایل دارند و مردان بیشتر متمایل به مسائل کمتر شخصی هستند. گفتمان مسلط در این مطالعه «ماندگاری زنان در گفتمان سنتی حمایتی - تاییدی نسبت به مردان» است.

جعفری و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان تحلیل محتوای پیام های خشونت آمیز علیه زنان در کانال های تلگرامی استان اردبیل انجام داده اند. تحقیق آنان با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام گرفته است و مبنای تعیین مضامین و مقوله های پژوهش نیز مطالعه اکتشافی پیام های خشونت آمیز علیه زنان در کانال های تلگرامی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کانال های تلگرامی استان اردبیل بود که پس از غربالگری های اولیه، تعداد بیست کانال که حاوی مضامین خشونت آمیز علیه زنان بودند و معیارهای مدنظر پژوهش را داشتند، برای نمونه انتخاب شد. نتایج نشان داد که زنان بیشتر در معرض خشونت غیرجنسی قرار گرفته اند و بعد از آن به ترتیب خشونت جنسی و خشونت برون خط قرار دارد. از بین پیام های خشونت آمیز غیر جنسی علیه زنان، بیشترین خشونت مربوط به خشونت عاطفی و روانی بوده است. از میان انواع خشونت جنسی علیه زنان در کانال های تلگرامی استان اردبیل، قرار گرفتن در معرض خشونت هرزگی محض از سوی مردان بیشتر جلوه دارد و از نظر خشونت برون خط در کانال های تلگرامی، بیشترین فراوانی مربوط به تهدید به تجاوز به عنف است.

عبداللهی نژاد و مجلسی (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان خشونت کلامی در فضای مجازی؛ مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی انجام داده اند. در گام نخست، صفحات پرتعدادی که تا زمان آغاز این پژوهش بیش از یک میلیون دنبال کننده داشتند، شناسایی شد. این صفحات متعلق به ۱۹ سلبریتی هنری در داخل ایران است. پس از آن، اظهارنظرهای دنبال کنندگان این صفحات از منظر خشونت کلامی مورد مطالعه قرار گرفت. در این پژوهش از نظریه های ادب از

براون و لوینسون (۱۹۷۸ و ۱۹۸۷) و بی‌ادبی کلامی از کالپر (۲۰۱۱) که با محوریت وجهه، ذیل نظریه نمایشی گافمن قرار می‌گیرند، استفاده شده است. برای انجام پژوهش از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شد. سرانجام، با تحلیل حدود ۱۵۰۰ اظهارنظر (کامنت) که حاوی خشونت کلامی بودند، اشباع نظری حاصل شد و تعداد ۹ مضمون فراگیر با عنوان زندگی شخصی، جایگاه و مقام حرفه‌ای هنرمند، آسایش و رفاه، جنسی، جنسیت، سیاست، مذهب، قومیت و اصل و نسب و دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهروندی استخراج شدند. پس از این مرحله، شبکه مضامین فراگیر به عنوان الگوهای اصلی و پرتکرار داده‌های متنی، ترسیم و همچنین پیش از آن در جداول نه گانه دو سطح دیگر مضامین یعنی تعداد مضامین پایه و سازمان‌دهنده آورده، توصیف و تحلیل شد.

عادلہ اشراقی کارگر و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان مزاحمت سایبری در بین زنان و مردان: بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام انجام داده‌اند. در این پژوهش پس از استخراج پارامترهای مزاحمت سایبری، پرسشنامه‌ای آنلاین تهیه شده است و تجزیه و تحلیل‌های مختلفی بر روی داده‌ها صورت گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین مزاحمت سایبری و جنسیت وجود دارد.

همت پور و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان شناسایی و تبیین جامعه شناختی خشونت علیه زنان در فضای سایبر (مورد مطالعه: زنان ۲۰-۴۵ ساله شهر تهران) و با روش پیمایشی انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان دهنده آن است که مشارکت اجتماعی زنان و دل‌بستگی خانوادگی خشونت علیه زنان در فضای سایبر را کاهش می‌دهد و با افزایش اعتیاد آنلاین، خشونت افزایش می‌یابد و هم‌نوایی در گروه‌های سایبری در صورت اعتیاد آنلاین در خشونت علیه زنان تاثیرگذار است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر آن است متغیر مشارکت اجتماعی بیش از دیگر متغیرها بر خشونت علیه زنان تاثیر دارد.

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۷۷

- ماینک ماندل و همکاران (۲۰۱۸) به مطالعه شبکه‌های اجتماعی به عنوان ارتباط ارزان قیمت پرداخته است که اجازه می‌دهد هر کسی برای انتشار مطالب و با هر محتوایی در آن حضور داشته باشد. با این حال، پتانسیل شبکه‌های اجتماعی فضای گفتمان‌هایی را فراهم می‌کند مضر به گروه‌های خاصی از مردم است. نمونه‌هایی از این گفتگوها شامل قلدری، محتوای توهین آمیز و سخنان نفرت انگیز است. او به مطالعه شبکه زمزمه و توئیتر مطالعه پرداخته است و فرم‌های گفتاری نفرت انگیز و معرفی مجموعه‌ای از الگوهای مهم برای درک وسیع‌تر از سخن گفتن نفرت انگیز و ارائه راهکارهای پیشگیری و تشخیص آن برآمده است. این گروه‌های خاص ممکن است اقلیت زنان نسبت به خودشان باشد چیزی که من به دنبال آن هستم، قلدری، محتوای توهین آمیز و خشونت که منجر به سکوت می‌شود.

- استیال و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی را تحت عنوان «بازنمایی رسانه‌ای از خشونت علیه زنان» انجام داده‌اند. در این پژوهش قدرت رسانه‌ها را مورد بررسی قرار گرفته است تا افکار عمومی را درباره خشونت علیه زنان تقویت یا تغییر دهد. سوال اصلی پژوهش این است که آیا تصاویر رسانه‌ای درباره این موضوع حاوی پیام‌های محافظه کارانه هستند که از طریق روکش «عینیت» با استفاده از روایت‌های ساده شده ارتباط برقرار می‌کنند. بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که رسانه‌ها خشونت خانوادگی، تجاوز جنسی و آزار و اذیت جنسی بازنمایی نمی‌کنند و پوشش خبری نمی‌دهند. این درک فمینیستی و منعکس‌کننده تسلط مردانه و جنسیت‌گرایی در رسانه‌ها است. در حالی که اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، فعالان و دیگران قادرند با به چالش کشیدن اسطوره‌ها و کلیشه‌ها، انجمن‌های جدید علیه تداوم خشونت علیه زنان ایجاد کنند. مشارکت مداوم با رسانه‌ها برای اطمینان از درک جامعه از خشونت علیه زنان و آسیب دیدگی رسانه‌ها ضروری است.

همانطور که در پیشینه مقاله اشاره شد، درباره شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی انجام گرفته است و در ارتباط با زنان نیز مطالعات زیادی در مورد

خشونت علیه زنان انجام گرفته است. اما پژوهش مرتبط با نفرت‌پراکنی در شبکه اجتماعی اینستاگرام در ایران انجام نشده است. تحقیقات پیشینی اگرچه امکانات نظری فراوانی پیش‌پای مقاله حاضر قرار داده است، اما در سه قلمرو مکانی، زمانی و موضوعی با مقاله حضار تفاوت دارد. تحقیق حاضر از این جهت که به بررسی نشانه‌ها و گفتمان نفرت‌پراکنی می‌پردازد کاملاً دارای نوآوری است بویژه اینکه نفرت‌پراکنی مورد مطالعه نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان است. بازه زمانی تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۹ است و مکان اجرای تحقیق در شبکه اجتماعی اینستاگرام ایران ۱۳۹۹ است.

مرور نظری

اهمیت سنتز نظری بین کنش متقابل نمادین گافمن و نظریه گفتمان توسط هاکینگ (۲۰۱۱) اشاره شده است. هاکینگ معتقد است این دو نظریه مکمل یکدیگرند و برای بهره‌برداری بهتر از مفهوم گفتمان و کنش متقابل نمادین باید بین این دو قرار گرفت. او تحلیل گفتمان را تحقیقی از «بالا به پایین» می‌داند که تمامی مکاتب اندیشه را هدف قرار داده است و نظریه گافمن را تحقیقی از «پایین به بالا» می‌نامد که با ورود افراد به روابط اجتماعی یا کناره‌گیری از آن مرتبط است. از نظر هاکینگ، گافمن هم درگیر گفتمان بود؛ گافمن با رویکرد نمایشی که افراد در زندگی روزمره خود شکل می‌گیرد، اجرا می‌کنند و معنا می‌یابد. وی معتقد است خودی که در کنش‌های متقابل زندگی روزمره در نقش‌های گوناگون خلق می‌شود بسیار آسیب‌پذیر است و بنابراین برای محافظت از خود و اجراهای آن در زندگی روزمره مدیریت تاثیرگذار را مطرح می‌کند (گافمن، ۱۹۹۵: ۲۵۲-۲۵۳). در تعاملات اجتماعی فرد فقط به کلمات توجه نمی‌کرد بلکه لحن، لهجه، زبان بدن، حالات، برداشت‌ها و سکوت‌ها نیز مورد تحلیل قرار می‌گرفت. برای گافمن اهمیت داشت که افراد چگونه یکدیگر را شکل داده، خود را تعریف کرده و یکدیگر را بر اساس این تعاملات درک می‌کنند. هاکینگ این روش را

«پایین به بالا» می نامد چون معتقد است ما ابتدا با تعاملات رو در روی افراد آغاز می کنیم و اهمیت دارد که این تعاملات چگونه زندگی ما را می سازند. روش گفتمان اما از «بالا به پایین» است چون نقطه آغاز آن گزاره ها معنایی است که در شرایط مکانی و زمانی خاص مبادله شده و یک صورتبندی گفتمانی را شکل می دهد و خود را از انسان هایی که آن گزاره ها را مطرح می کنند، جدا می کند. در واقع به طور خلاصه صورتبندی های گفتمانی در بالا و کنش های متقابل انسانی در پایین قرار گرفته است (آقایی، ۱۳۹۷).

اما آنچه از نظر هاکنینگ کاستی نظریه گفتمان است، شناخت نسبت به این موضوع است که صورتبندی های مختلف گفتمانی چگونه تبدیل به بخشی از زندگی افراد عادی می شود؟ و یا اینکه چطور این صورتبندی ها نهادینه شده است؟ و کاستی نظریه گافمن این است که توضیح نمی دهد چطور کنش های متقابل اجتماعی صورتبندی های گفتمانی و نهادها را شکل می دهند؟ اینکه ما چگونه به نهادهای این چنینی رسیده ایم؟ در واقع مفهوم گفتمان مشخص می کند که محیط های تاریخی چگونه روی مردم تاثیر می گذارند اما هرگز نشان نمی دهد که این فرآیند چگونه در زندگی روزمره اتفاق می افتد. گافمن این کار را به طور دقیق انجام می دهد اما هیچ اشاره ای به این موضوع نمی کند که ساختارهای پیرامون افراد در جامعه چگونه شکل گرفته اند.

کنش متقابل نمادین بیان می کند که افراد با هم ارتباط دارند و موجب ساختن عمل یکدیگر می شوند. برای شناخت افرادی که روز به روز در یک ساختار فرهنگی و نهادی موجود ساخته می شوند، ضروری است. کنش متقابل نمادین روش مناسبی برای درک این موضوع است که نقش های یک فرد و حالات زندگی او چگونه پدید می آیند. اما آنچه گافمن کاملاً حذف کرده و برای تکمیل آن باید به نظریه گفتمان رجوع کنیم این سوال است که کدام یک از گفتمان ها به عنوان بخشی از تفکر طبیعی ما در نهادهای اجتماعی شکل می گیرند؛ یعنی اینکه نهادهای اجتماعی و معناهای ارائه شده در جامعه به عنوان بخشی از نظم طبیعی هستند یا نظمی که توسط انسانها برساخت شده است.

گفتمان روشی در اختیار ما قرار می‌دهد که بر اساس آن‌ها می‌توانیم درک کنیم که چه چیزی گفته می‌شود، چه چیز ساخته می‌شود و اینکه چه چیز با معنا است. اما هیچ مسیری را نشان نمی‌دهد برای آنکه یک نفر در زندگی روزمره چگونه موفق می‌شود تا آن ممکن‌ها و غیر ممکن‌ها را در بخشی از وجود خود بگنجاند. برای رسیدن به این موضوع باید سراغ گافمن برویم. به این شکل است که می‌توان سنتزی بین نظریه گفتمان و کنش متقابل نمادین ایجاد کرد.

در واقع، در سنتز نظری این تحقیق برساخت معنایی از طریق قدرت گفتمانی در پیوند با تولید معنای اجتماعی «نمایش» در کنش متقابل نمادین قرار می‌گیرد. در سطح گفتمانی آنچه اهمیت دارد قدرت گفتمان در تثبیت معنایی از خشم است و در سطح کنش متقابل نمادین معنایی از خشم مورد توجه است، که در زندگی روزمره افراد جامعه و در کنش متقابل بین آنان تولید و به عنوان «وجهه» (که ما در این مقاله به خود تعبیر می‌کنم) خشونت بازتولید می‌شود. به عبارت دیگر آن معنایی که در سطح خرد کنش متقابل اجتماعی تولید می‌شود، در سطح کلان گفتمان‌های مسلط اجتماعی توسط نهادهای قدرت بازتولید شده و در همین چرخه، آن معنای گفتمانی در سطح کلان از خشم که توسط گفتمان‌ها برساخت می‌شود، در سطح کنش‌های متقابل و در زندگی روزمره افراد جامعه مجدداً تولید می‌شود. برای فهم برساخت گفتمانی معنای خشم ناگزیر از فهم «وجهه» در کنش متقابل افراد جامعه، و برای فهم این وجهه اگر نقش قدرت‌های گفتمانی را نادیده بگیریم مسئله را کامل فهم نکرده‌ایم. در این بین اینستاگرام به عنوان فضایی که معانی در آن تولید و بازتولید می‌شود در سطح گفتمانی مورد نظر مورد توجه قرار گرفته است. فضایی ارتباطاتی که در آن موجب تقویت برخی از مفاهیم و معانی گفتمانی است.

اما برای روشن تر کردن این وضعیت گفتمانی از مفهوم «بی ادبی کلامی» کالپیر (۲۰۱۱) کمک می‌گیریم که ارتباط ناگسستگی میان انواع وجهه و حقوق اجتماعی را مورد توجه

قرار گیرد. مفهوم بی ادبی کلامی نشان می‌دهد چگونه برساخت گفتمانی و بی ادبی ناشی از نفرت پراکنی و خشم امکان کنترل و سکوت کاربران را ممکن می‌کند. در نهایت برای نشان دادن حذف یا سکوت کاربران در فضای مجای در جهت تقویت گفتمان خشم، رویکرد ارتباطاتی-روانشناسی-اجتماعی (انسان‌گرا) و رویارویی آن با رویکرد روانشناسی اجتماعی را در سنتز نظری تحقیق وارد می‌شود تا روشن گردد نفرت پراکنی و خشم تحت تاثیر برساخت های اجتماعی است و برای آموزش، پیشگیری، عدم ترویج باید به شرایط اجتماعی و فرهنگی توجه کرد و آموزش داد (Culpeper, 2011: 394).

روش پژوهش

با توجه به اینکه تحقیق در تلاش است تا به طور مشخص به بررسی صورت‌بندی گفتمان خشونت و نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام بپردازد و بر مبنای نظریه‌ی ون‌دایک و تکمله‌هایی از نظریه کنش متقابل گافمن، ساختارهای سیستماتیک هژمونی احتمالی جاری در این گفتمان را استخراج کند، نیاز به ارائه‌ی روشی برای تحلیل این گفتمان وجود دارد. این پژوهش، رویکرد کاربردی ون دایک را برای تحلیل گفتمان ملاک قرار داده است. البته در شرایط بهتری می‌توان از تلفیق دو رهیافت فرکلاف و ون دایک برای تحلیل و بررسی متون خبری استفاده کرد، اما چون ون دایک یک طرح مشخص و مناسب در تحلیل متون اینستاگرام ارائه کرده، در این تحقیق ترجیح داده شد که از الگوی تحلیلی وی استفاده شود.

در چنین روشی در مطالعه فرهنگ‌ها، رسانه‌ها و متون، محقق تصمیم دارد که رابطه بین متن، مولف و خواننده را مشخص سازد و سپس نتیجه گیرد که چه عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چه زمینه‌هایی در تولید گفتمان تأثیر دارند. در این روش، تحلیلگر باید بتواند از بافت متن (ساختار و شکل)، فراتر رود و وارد بافت موقعیتی متن (ابعاد و

شرایط ایدئولوژیک) گردد و آن را تحلیل کند. در واقع، روش تحلیل گفتمان تلاش می کند که بیان کننده معانی نهفته در ذهن مولف متن باشد. در این روش، پرسش تحقیق به نحوه ایجاد واقعیت اجتماعی در قالب گفتمان مرتبط به فرآیندها با موضوعات خاص تمرکز دارد (فلیک، ۱۳۸۷ : ۳۶۳). بنابراین با توجه به اینکه هدف ما در این تحقیق، بررسی ایدئولوژی‌های موجود در متون مربوط به تولید گفتمان نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان بوده است و همچنین این نکته که تصمیم داشته‌ایم که متون کامنت‌های اینستاگرام را به عنوان یک گفتمان رسانه‌ای مستقل بررسی کنیم، می‌باید از روشی استفاده کنیم تا به ما ابزار تحلیل اجزا و قیاس و استخراج معانی را دهد. جامعه آماری در این تحقیق متون نوشته شده به عنوان پست و کامنت‌ها است که در مورد نفرت‌پراکنی است. برای نمونه گیری هدفمند ابتدا در اینستاگرام سلبریتی‌ها و زنان فعال که داری فالوور بیش از ۵۰۰۰ هزار بودند را شناسایی کردم.

در گام دوم، با توجه به واحد تحلیلی «پست» در مجموع تقریباً ۵۰۰ پست جمع‌آوری شده است. از میان این ۵۰۰ پست مرتبط، با توجه به واحد ثبت که دارای واژگان توهین‌آمیز حساس بوده است، حدود ۱۰۰ پست تصفیه شده است. از این میان، نزدیک به ۲۰ پست با توجه به طبقه‌بندی‌ای ارائه شده در قسمت بعدی مورد کدگذاری قرار گرفته است تا بیش از ۲۰ پست با معیارهای مسئله‌ی اصلی مقاله کدگذاری شده و برای تحلیل انتخاب شده است. با توجه به محدودیت ساختاری مقاله در بخش بعدی به نمونه‌هایی از این پست‌ها و تحلیل گفتمان آن‌ها اقدام می‌شود.

البته ممکن است سلبریتی‌ها و کاربرانی باشند که در لیست نیامده اند. اما سعی شده است اکثر کاربران و سلبریتی‌ها پوشش داده شود. بعد از مشاهده صفحات و کامنت‌ها و پست‌هایشان، براساس آگاهی خود از جمعیت هدف، ماهیت تحقیق و هدف‌های مطالعه نمونه‌هایی را برای انجام این تحقیق مشخص کرده‌ام. در انتخاب سلبریتی‌ها و کاربران دقت شد آن‌هایی انتخاب شوند که مخاطبین بیشتری داشته اند و به موضوع

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۸۳

خشم و نفرت پراکنی به طور متمرکز تری اشاره داشتند. همچنین سعی کردم روند گذر زمان را با توجه به زمان کامنت‌ها در نظر داشته باشم. به منظور انتخاب مناسب کامنت‌ها و پستها، پس از مطالعه اکتشافی، آنها را با دقت تمام کارشناسان این حوزه انتخاب کرده‌ام. از آنجا که پست‌ها و کامنت‌های موجود در اینستاگرام بسیار زیاد است و تحلیل و بررسی همه این محتواها در حیطه این تحقیق نیست، از نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند بهره گرفته شده است. با توجه به اینکه هدف این تحقیق گفتمان نفرت پراکنی در اینستاگرام است، متن این تحقیق، کامنت‌ها و پست‌های اینستاگرامی است که مرتبط با زنان هستند.

از دیدگاه نظریه پردازان گفتمان مانند ون دایک، فرکلاف و ... برای نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان داده‌هایی باید انتخاب گردند که بازنمایی کننده خوبی برای گفتمان مورد نظر باشند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

پست‌های انتخاب شده از صفحات اینستاگرامی زنان فعال، با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی تئون ای. ون دایک، فرم ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای انتخاب شده در نظر گرفته شد. این فرم حاوی ۱۱ کارویژه است. سه کارویژه اول، کاربر تاریخ و عنوان است که گویای اطلاعات شناسه‌ای متن پست‌ها است. سایر کارویژه‌ها، که از طریق آنها می‌توان نظام گفتمانی تبلیغاتی حاکم بر پست‌ها و شناسایی نوع انگاره‌سازی آنها در مورد زنان و بازکاوی انگاره‌هایی که آنها از زنان ایرانی و همچنین شناسایی مقولات متنی و درون متنی را بدست آورد، عبارتند از؛ سبک واژگان (مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح شده در متن (مثبت و منفی)، قطب‌بندی یا غیرسازی، استنادها، پیش‌فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها و گزاره‌های اساسی متن‌های خبری. پس از استخراج اطلاعات مربوط به هر متن، این اطلاعات پایه اصلی تحلیل فرامتن را تشکیل می‌دهند. متن‌های هر کاربر پس از استخراج مقولات و کارویژه‌های متنی از هر متن، در نهایت تحلیل و تفسیر فرامتنی خواهد شد که این تحلیل به اخذ نتایج اصلی و پاسخگویی به سوالات تحقیق می‌انجامد.

یافته‌های پژوهش

عمده واژگان مثبت متون بررسی شده در صفحات ایستاگرام زنان فعال، حرمت انسانی، آموزه‌های فمینیستی و برابری زن و مرد، تغییر سیستم مردسالاری، انتخاب کردن و قدرت تصمیم‌گیری از سوی زنان، قابلیت جنسی و زنان تاثیرگذار، قوی و باهوش، شجاع بوده است. واژگان منفی این متون نیز عمدتاً حول محورهایی چون خیانت زنان، سیستم متحجرانه و مردسالارانه، زنان اخته و هیستریک، نقش مادری و خانه‌داری و شوهرداری، زنان پسرخواه بوده است. افراد و نهادهای مثبتی که مطرح شده‌اند، بطور عمده، زنان فمینیست، زنان تاثیرگذار و تاریخ‌ساز، زنان مجرد و ارزش‌های مدرنیته بوده‌اند. پست‌های منتشر شده این صفحات، «خود» را در تعبیری چون زنان آگاه فارغ از سنت‌های دست و پاگیر، مظلوم و مملوء از خلاقیت و نبوغ مطرح کرده‌اند و «دیگری» را با تعبیری مانند تفکر متحجرانه و سنتی، خانواده دوست و متاهل و احساسات مادرانه و خائن به ارزش‌های برابرخواهی و فمینیستی معرفی کرده است. استنادهایی که در این متون شده به ارزش‌های مدرن در تقابل با ارزش‌های سنتی و سرکوب‌گرانه بوده است. عمده پیش‌فرض‌هایی که در پست‌های منتشر شده استنباط شده‌اند بر سنت‌های متحجرانه، زنان ناآگاه و در خدمت نظام مردسالاری، شرایط نابرابر و سرکوب خلاقیت و توانایی‌هایی زنان و در نهایت جامعه زنان سنتی و شوهرداری و بچه‌داری، متمرکز شده است. متون منتشر شده در روند اطلاع‌رسانی در مورد جایگاه زنان در پی تلقین این مضامین بوده است؛ عامل جایگاه نامناسب زنان، خود زنان هستند و زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند. فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است. باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری را به عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌کنند. راه شکوفایی زن ایرانی در بستر نفی نهادها و ارزش‌های سنتی حضور برابر در جامعه نهفته است.

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۸۵

با توجه به مقوله‌های گفتمانی استخراج شده از متن‌ها، متن اول با بیان اینکه سیستم سنتی متحجرانه و مردسالارانه عامل اصلی تمام بدبختی‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی انسان‌هاست؛ انگاره‌ای ارتجاعی و دهشت‌وار از ایران ارائه کرده است.

متن دوم، با بیان این ادعا که رابطه جنسی، رابطه‌ای دو طرفه و آگاهانه از سوی دو طرف است و زن موجود ضعیف و قربانی تجاوز نیست؛ از شیوه روانی پنهانکاری از طریق حذف استفاده کرده است تا اصل وجودی آزار و اذیت جنسی و ریشه‌های تجاوز را رد کند.

متن سوم، خانه‌داری و نقش مادرانه زنان را باعث سرکوب زنان می‌داند، از این رو از شیوه روانی بحران‌سازی استفاده کرده است، از سویی دیگر، با طرح نمودن این گزاره که راه شکوفایی و خلاقیت زن ایرانی در بستر حضور برابر در جامعه نهفته است، نوعی از شیوه روانی تسری نیز به کار رفته است. متن از این رو گزاره مردسالاری و نگاه داشتن زن‌ها در خانه باعث شده است که زنان کمتر در خط مقدم هنر و دانش حضور داشته باشند، عرضه کرده است.

متن چهارم، با بیان اینکه خیانت زنان پایبندی به ارزش‌های سنتی و اعتقاد به تفاوت‌های روانی و جنسیتی تفکری خائنانه است که از سوی زنان بازتولید می‌شود، شیوه روانی برچسب زدن استفاده کرده است. به دیگر بیان، تشکیل خانواده عامل سرکوب زنان است. تنها راه رهایی از وضع موجود فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی است و هر نگاهی غیر از این خیانت است.

گفتمان‌هایی منجر به نفرت پراکنی برخی از زنان بر علیه زنان

در پاسخ به سوال اصلی پژوهش و به تاسی از یافته‌های تحقیق جریان‌های اصلی حوزه زنان و گفتمان‌های مطرح شده و پنهان در لابه‌لای پست‌ها و کامنت‌های کاربران زن ارائه خواهد شد.

جریان غیردینی و سیاسی

در نخستین دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، به دلیل درگیری کشور با مسائل و مشکلات فراوان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ناشی از تغییر نظام از یک سو، و مسائل و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی از سوی دیگر، زمینه مناسب اجتماعی برای طرح مسائل خاص زنان وجود نداشت و به همین دلیل نیز گروه‌ها و جریان‌ها و ویژه‌ای که صرفاً دغدغه پرداختن به اینگونه مسائل را داشت، در کشور شکل نگرفت؛ البته ناگفته نماند که در همان یکی دو سال نخست پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های متعددی با شعار دفاع از حقوق زنان شکل گرفتند که عمدتاً وابسته به گروه‌های چپ مارکسیستی بودند و به دلیل بیگانگی با باورها و ارزش‌های زن ایرانی و همچنین نداشتن درکی درست از جامعه زنان ایران، با همان سرعتی که به وجود آمدند، از میان رفتند. جریان سیاسی یکی از جریان‌ها جنبش زنان بعد از انقلاب اسلامی است. شاخصه اصلی این طیف آن گونه که از بین نوشته‌ها و دیدگاه‌های آنها مطرح می‌شود این است که، حکومت اسلامی را مهمترین منابع دستیابی زنان به حقوق خود می‌شمارد و مهمترین اقدام را در رهایی زنان، مقابله با نظام اسلامی می‌دانند. طیف سیاسی فمینیسم سکولار را می‌توان به دو شاخه تقسیم کرد: الف) شاخه اول ماهیتی فمینیستی و زنانه دارد؛ ب) شاخه دوم به لحاظ ماهیت، فمینیستی نیست بلکه نگاهی ابزاری به فمینیسم دارد. در واقع، فعالان قسم دوم، برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران وارد فعالیت‌های فمینیستی شده‌اند. حقوق زنان مسئله اصلی این شاخه نیست بلکه مخالفت با جمهوری اسلامی ایران انگیزه اصلی فعالیت‌های فمینیستی است.

فمینیست‌های سیاسی معتقدند: از آنجا که رسیدن زنان به حقوق خود جز از طریق مبارزه با دولت‌ها امکان‌پذیر نیست، بنابراین، آزادی امری سیاسی است. با توجه به این پیشفرض، از نگاه فمینیست‌های سیاسی ایرانی نیز مبارزه با نظام جمهوری اسلامی در جهت تغییر آن، تنها راهکار رهایی زنان در ایران از فرودستی و رسیدن به آزادی و برابری

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۸۷

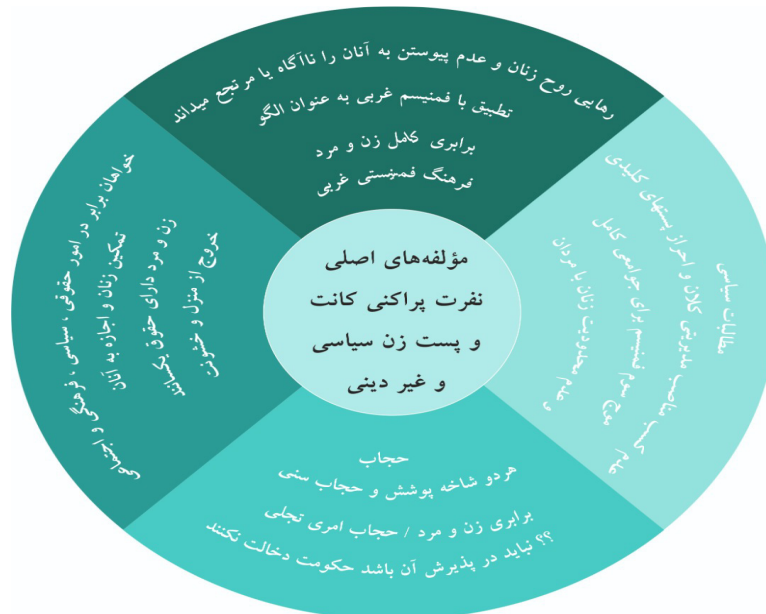
است: «... اما مهم آن است که تشکل مستقل زنان به عنوان یک نهاد صنفی سیاسی اولاً به این امر تأکید نماید که امر سیاسی است. به این دلیل بسیار ساده که زنان در سراسر جهان برای کسب کوچکترین حقوق خود با دولت‌ها و قوانین وضع شده ازسوی آنها هستند. یک نمونه بارز آن، مبارزه برای حق آزادی پوشش و یا تغییر قوانین در جمهوری اسلامی است» (شفیعی، ۱۳۸۶: ۶۱).

در این دیدگاه، دین اسلام ازجمله عواملی دانسته می‌شود که مردسالاری و جنسیت‌گرایی را نهادینه می‌کند و به طور کلی، سبب تقویت انقیاد و تبعیض می‌شود. از این رو، آنها معتقدند اسلام و فمینیسم قابل جمع نیستند. همانطور که بیان شد، فمینیست‌های سیاسی معتقد به مبارزه با نظام جمهوری اسلامی برای رسیدن به آزادی زنان هستند. در این دیدگاه، حکومت اسلامی ایران زن ستیز دانسته می‌شود و مبارزه با آن از مسائل عمده جریان فمینیسم تلقی می‌شود.

جریان غیردینی در عمل از موضعی هماهنگ با جریان سیاسی برخوردار است. شاید بتوان تنها تفاوت کلیدی آنها را در این دانست که جریان سیاسی با انگیزه مخالفت با جمهوری اسلامی به بحث درباره حقوق و مسائل زنان می‌پردازد در حالیکه جریان غیردینی، مخالفت با نظام را به انگیزه دفاع از حقوق زنان انجام می‌شود (کار، ۱۳۸۷: ۱۸).

جریان سیاسی هدف اصلی را مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند و معتقدند امر رهایی زن، امری سیاسی است؛ چرا که زنان برای رسیدن به حقوق خود راهی جز مبارزه با دولت‌ها ندارند. از طرفی دیگر، شاخه سکولار، دین اسلام را علت اصلی تبعیض و نابرابری‌های زنان در ایران می‌دانند و خواهان برقراری سکولاریسم در جامعه هستند. هر دو شاخه این جریان در ارتباط با مسائل زنان، موضع مشابهی دارند و خواهان برابری کامل زن و مرد در جامعه هستند، در نتیجه یافته‌های تحقیق با گفتمان نفرت‌پراکنی مربوط به جریان‌های غیردینی مبنی بر اینکه جریان غیراسلامی در ارتباط با

مسائل زنان به عرفی‌سازی کامل قوانین، حاکمیت سکولاریسم در جامعه، آزادی و برابری کامل زنان در عرصه عمومی تأکید دارد، سازگار است.



شکل ۲. مؤلفه‌های نفرت پراکنی زن سیاسی و غیردینی

جریان‌ات دینی

جریان دینی که در میان پست‌ها و کامنت‌های کاربران زن نمایان است را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) جریان نواندیشی دینی، ب) جریان محافظه‌کار.

– جریان نواندیشی دینی

این گروه در مواضع خود، اسلام و فقه را به عنوان مرجع پاسخگویی و حل مسائل زنان به رسمیت شناختند، و با این نگاه، از جریان غیردینی متمایز می‌شوند؛ اما انتظار آنان از فقه این است که خود را با زمانه هماهنگ کند. تفسیری که در آثار این گروه‌ها از هماهنگی فقه با تحولات ارائه می‌شود، آنان را در موقعیت فرعی و اجتماعی قرار

می‌دهد، به گونه‌ای که رسالت فقه را تأیید یافته‌های عصر جدید می‌داند و نه هدایت و سمت دهی به امور اجتماعی (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). جریان نواندیشی دینی از منظر جدیدی به مقوله‌هایی از قبیل حقوق مدنی، آزادی، حقوق زنان می‌نگرند. نواندیشی دینی، در ارائه برنامه‌ها و راهکارهای عملی برای حل معضلات جامعه، از جمله مسائل مربوط به حقوق زنان، تنها به چارچوب آموزه‌های دینی مراجعه نمی‌کند و معتقد است که دین به تنهایی نمی‌تواند در این حوزه راهگشا باشد. از نظر آنها، احکام اجتماعی اسلام متناسب با عصر پیامبر و سرزمین عربستان تشریح شده و در عصر جدید در صورتی قابل اجراست که مبتنی بر عدالت باشد. احکام حقوقی مربوط به زنان نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در واقع، از نظر این جریان، قوانینی که مربوط به حقوق زن در اسلام است، به ویژه قوانین مربوط به خانواده، باید مورد بازخوانی قرارگیرد و به گونه‌ای تفسیر شود که با اصل برابری هماهنگ باشد. به عبارتی دیگر، این جریان، خواهان تجدیدنظر در قوانین و ساختار جامعه هستند و معتقدند، که جامعه ایران سال‌ها تحت سلطه نظام مردسالاری بوده و لازمه دگرگونی، اصلاح قوانین و دیدگاه فرهنگی جامعه است. این گروه، درون مایه مذهبی دارند و بعضی قوانین و ارزش‌های موجود در جامعه را مطابق با دستورات اسلامی نمی‌دانند و درخواست اصلاح دارند. آنان خواستار برابری انسان‌ها و عدالت اجتماعی میان زن و مرد هستند و تغییر در قوانین مربوط به حقوق ارث، دیه، حق شهادت در محاکم، حضانت طفل و حق طلاق را طالب‌اند؛ همچنین خواستار استفاده از امتیازات اجتماعی، مانند حضور در پست‌های سازمانی و مدیریتی، دست‌مزد برابر زنان با مردان در شرایط یکسان کار و آموزش و حضور در عرصه‌های مختلفی که بیشتر در اختیار مردان است، هستند. از نگاه طرفداران این طیف، حضور اجتماعی زنان در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. به طوری که با هر آنچه که از حضور اجتماعی زنان کم کند، به مخالفت برمی‌خیزند؛ مخالفت با طرح افزایش مرخصی‌های زایمان، مخالفت با تک جنسی کردن دانشگاه‌ها، مخالفت با سهمیه‌بندی دانشجویان در کنکور، مخالفت با

افزایش تولیدمثل، مخالفت با طرح تفکیک جنسیتی در محل کار و کاهش ساعات کار زنان و نمونه متاخرتر آن مخالفت با حذف دختران از جلد کتاب ریاضی سوم دبستان از جمله مواردی است که این جریان آن را کاهش حضور اجتماعی زنان می‌پندارد.



شکل ۳. مولفه های نقوت پراکنی زن نو اندیش دینی

- جریان دینی محافظه کار

این جریان بر این اعتقاد است که تشابه حقوق زن و مرد منافع زنان را تأمین نمی‌کند و باید به تفاوت‌های طبیعی این دو جنس توجه داشت، راه برطرف کردن مشکلات و نابسامانی‌های موجود در زمینه حقوق زنان، نه در حذف و تغییر قوانین اسلامی، بلکه در شناخت درست این قوانین و تلاش برای اجرای صحیح آن است (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۴). این دیدگاه در تحلیل مسائل جدید زنان بر تأکید ثبات شریعت، شناسایی موضوعات مستحده و تأثیر زمان و مکان بر موضوعات فقهی را مدنظر قرار می‌دهد، و بر این اعتقاد

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۹۱

است که بدون نیاز به تحول در اجتهاد می‌توان با کارشناسی از مسائل زنان و تحقیق در منابع اسلامی، حکم مسئله را متناسب با زمان و مکان استنباط کرد.

جدول ۱. درون‌مایه ابعاد نفرت پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان

گفتمان‌های نسبت داده به زنان (درون مایه کامنت‌ها)		
واژگان	مثبت	حرمت انسانی، آموزه‌های فمینیستی و برابری زن و مرد، تغییر سیستم مردسالاری، انتخاب کردن و قدرت تصمیم‌گیری از سوی زنان، قابلیت جنسی و زنان تاثیرگذار، قوی و باهوش، شجاع
	مثبت	خیانت زنان، سیستم متحجرانه و مردسالارانه، زنان اخته و هیستریک، نقش مادری و خانه‌داری و شوهرداری، زنان پسرخواه
افراد و نهادها	منفی	زنان فمینیست، زنان تاثیرگذار و تاریخ‌ساز، زنان مجرد و ارزش‌های مدرنیته، زن فیلسوف، زن نقاش، زن نویسنده، زن موسیقیدان، زن فیلم‌ساز.
	منفی	مادر، زن خانه‌دار، زن باردار، شوهر، سنت‌های غلط، سیستم مردسالارانه، زنان سنتی، سنت‌های متحجرانه، سیستم فاسد، زنان و مردان سنتی
ارزش‌ها	خود	زنان آگاه فارغ از سنت‌های دست و پاگیر، مظلوم و مملوء از خلاقیت و نبوغ
	دیگری	تفکر متحجرانه و سنتی، خانواده دوست و متاهل و احساسات مادرانه و خائن به ارزش‌های برابرخواهی و فمینیستی
پیشفرض	سنت‌های متحجرانه، زنان ناآگاه و در خدمت نظام مردسالاری، شرایط نابرابر و سرکوب خلاقیت و توانایی‌هایی زنان و در نهایت جامعه زنان سنتی و شوهرداری و بچه‌داری	
تلقین	عامل جایگاه نامناسب زنان، خود زنان هستند و زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند. فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است. باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری را به عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌کنند. راه شکوفایی زن ایرانی در بستر نفی نهادها و ارزش‌های سنتی حضور برابر در جامعه نهفته است.	
انگاره‌ها	شیوه روانی ارتجاعی و دهشت‌وار - شیوه روانی پنهانکاری از طریق حذف - شیوه روانی بحران‌سازی - شیوه روانی برجسب زدن	

این جریان معتقد است که ایده دفاع از حقوق زنان لزوماً به معنای فمینیسم بودن این ایده نیست. چون فمینیسم جنبشی با اصول و مبانی خاص است که در شرایط اجتماعی و فرهنگی غرب پدیدار شده است که این شرایط در ایران متفاوت است. این جریان در دو شاخه محافظه‌کاری و نواندیشی دینی تقسیم می‌شوند. جریان‌های دینی از این نظر که، با نگاهی دینی به بیان حقوق زنان و موضع‌گیری درباره آن می‌پردازند و همگی خود را مدافع نظام اسلامی و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب می‌دانند، مشترک‌اند؛ اما در جزئیات و فروع با هم تفاوت دارند. جریان‌های دینی محافظه‌کار، در دفاع از حقوق زنان، بر لزوم مبانی و اصول اسلامی در مطالبات زنان تأکید می‌کنند و معتقدند می‌توان با تحقیق در منابع اسلامی، حکم مسئله زنان را متناسب با نیازهای زمان استنباط کرد. آنها بر اساس همین نگرش به موضع‌گیری در ارتباط با مسائل زنان می‌پردازند. به زعم آنان تشابه حقوق زن و مرد منافع زنان را تأمین نمی‌کند و باید به تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس توجه و قوانین منبعث از آن توجه کرد. می‌توان اینگونه بیان کرد که چون به نظر آنان اولویت با حضور زن در خانواده است نه حضور زن در جامعه، در نتیجه چنین تفکری باید گفت آنان بیش از اینکه، مطالبات خاص جنسیتی را مورد توجه قرار دهند، مطالباتی را پیگیری می‌کنند که در راستای حفظ و تحکیم خانواده است. در مقابل، شاخه دیگر جریان دینی یعنی نواندیشی دینی، در عین پایبندی به موازین اسلامی خواهان تجدیدنظر در قوانین و حقوق مربوط به زنان با توجه به ظرفیت دین اسلام هستند. آنان با توجه به پویایی فقه شیعه، از روش‌شناسی اجتهاد و تفسیر قرآن به دنبال چاره‌جویی برای رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های زنان در جامعه هستند. در نتیجه یافته‌های تحقیق با مسئله مربوط به جریان دینی مبنی بر اینکه، جریان‌های اسلامی در ارتباط با مسائل زنان، بر لزوم رعایت کامل محک‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطابق با شرع اسلام همراه با تطبیق و تحول متشابهات دینی با مسائل و تغییرات روز تأکید دارند، سازگار در آمد.



شکل ۴. مولفه های نفرت پراکنی زن طیف محافظه کار

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق حاصل از تحلیل گفتمان صفحات اینستاگرامی زنان فعال نشان از این واقعیت داشت که تولید، مصرف و بازنشر پست‌ها توسط کاربران فرآیندی آگاهانه است و بر مبنای کنش هدفمند انجام گرفته است. چنین فرآیندی در گام اول بر تولید و انتشار محتواهایی برای آگاه‌سازی زنان علیه وضع موجود مردسالارانه و علیه نگاه زن سنتی متمرکز است. به تاسی از گلیردونه، می‌توان به ابعاد سه‌گانه خشونت حاوی محتوای ترویج‌کننده تبعیض، نفرت یا خشونت در متن‌های منتشر شده دست یافت. باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری که زنان خانه‌دار آن‌ها را نمایندگی می‌کنند به عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌کند. متن‌های تحلیل شده حاکی از نوعی از فمینیسم علیه نقش‌های سنتی زنان است. تبعیض‌ها آشکار می‌شود،

نفرت از مادران برجسته و خشونتی نهفته از نظام مردسالارانه در جای جای پست‌های بررسی شده نمایان است.

باید اذعان داشت که کاربران مورد بررسی، از یک سو تحت تاثیر آموزه‌های فمینیستی به طور آگاهانه به نفی ارزش‌ها و ایدئولوژی گفتمان مسلط پرداخته و از سوی دیگر مورد هجمه مردان و زنان سنتی قرار می‌گیرند که به بازتولید گفتمان مسلط می‌پردازند. پست‌های منتشر شده به نفی باورهای موجود به زنان منجر شده است و مقاومتی درخشان را رقم زده است که به برابری جنسی دست یابند. برابری که حمله به ارزش‌های سنتی و نهادهای چون خانواده متجلی شده است. اما تقابلی نهفته در این پست‌ها نهفته است به ویژه توسط زنان که منجر به همدستی ضمنی آنها در بازتولید نگاه فرودستی به زنان است. زنان نویسنده و زنانی پسر دوست که ناآگاهانه دست به نوعی خشونت نمادین علیه همجنس خود می‌زنند. بورديو خشونت نمادین را نوعی از خشونت می‌داند که با همدستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آنها اعمال می‌شود و نیز کسانی که آن را اعمال می‌کنند، انجام می‌شود، زیرا هر دو گروه، برای اعمال آن آگاهی ندارد (بورديو، ۱۳۹۰: ۲۵). بر مبنای نظریه خشونت نمادین بورديو، بازتولید نگاه سنتی به زنان این سوال را ایجاد می‌کند که «کنشگران برخوردار از قالب‌های دریافتی و ادراکی خاص، چگونه دستورات درون یک موقعیت یا یک گفتار را درک کرده و از آنها اطاعت می‌کنند. به عبارتی افراد به چه درکی از نقش‌های سنتی رسیده‌اند که به بازتولید آن پرداخته و ارزش‌های موجود در آنها، به طور ضمنی مورد حمایت قرار می‌گیرد. به طور خلاصه پست‌های بررسی شده حاکی از سه نوع خشونت است: علیه تبعیض و نظام مردسالاری، علیه نهاد خانواده و نقش سنتی زنان، تخریب ارزش‌های سنتی و تلاش برای شکستن قفس سنت‌ها رستگاری به سمت ارزش‌های فمینیستی و مدرن.

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۹۵

در برآیند کلی مطالعه گفتمان صفحات مورد بررسی، مشخص گردید که دال مرکزی مجموع پست‌های مطالعه شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی بودن» است. زن باید در جامعه حضور داشته باشد. حضور زن در جامعه منتهی به آگاهی زنانه می‌شود. برابری جنسیتی رخ خواهد داد. دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «نفی جمع‌گرایی»، «روابط جنسی» و «برابری جنسیتی» منظومه گفتمانی کاربران زن را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند. این گفتمان، دیگری‌هایی را نیز برای خود متصور است که اغلب در قالب هویت‌هایی تحجر، ضد انسانیت، اختلالات جنسی، چندهمسری، تبعیض تاریخی و... تصویر می‌شوند.

منابع

- اشراقی سامانی، عادل و کارگر، محمد جواد (۱۳۹۶). مزاحمت سایبری در بین زنان و مردان: بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان.
- آقایی، عاطفه (۱۳۹۷). شناسایی و صورتبندی های گفتمانی تولیدات سینمایی اچ.آی.وی. / ایدز، دانشگاه تهران.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۰). درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم، (ترجمه ناصر فکوهی)، تهران: فرهنگ جاوید.
- بیچرانلو، عبدالله، صلواتیان، سیاوش، لاجوردی، آریتا (۱۳۹۷). بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در اینستاگرام. نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۵، شماره ۵۶، صص ۱۱۲-۱۴۰.
- جعفری، زینب؛ جعفری، علی و فرامرزین، سعید (۱۳۹۹). تحلیل محتوای پیام‌های خشونت‌آمیز علیه زنان در کانال‌های تلگرامی استان اردبیل. فصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده. دوره ۸، شماره ۱: ۴۵-۷۱.
- حسینی، حسین و کلاتری، عبدالحسین. (۱۳۹۶). تحلیل پدیدار شناختی تجربه زیسته کاربران شبکه اجتماعی تصویری اینستاگرام در ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۴۰، صص ۳۲-۶۳.
- عبدالهی نژاد، علیرضا، مجلسی، نوشین (۱۳۹۷). خشونت کلامی مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی، فصلنامه مطالعات نوین، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱-۶۱.

تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد نفرت پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام ... ۹۷

- کیانی، مژده (۱۳۹۸). هویت جنسیتی کاربران شبکه های اجتماعی؛ تحلیل گفتمان کامنت های کاربران شبکه های اینستاگرام و تلگرام. *فصلنامه مطالعات رسانه های نوین*. شماره ۲۰، صص ۱۴۹-۱۷۷.
- ون دایک تئون ای. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان- از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی* (ترجمه گروه مترجمان) تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها (نشر اثر اصلی بی تا).
- همت پور، بهاره و محسنی، رضاعلی (۱۳۹۶). *شناسایی و تبیین جامعه شناختی خشونت علیه زنان در فضای سایبر*. فصلنامه پژوهش نامه زنان. دوره ۸، شماره ۴: ۱۰۵-۱۳۱.
- Delgado, R., & Stefancic, J. (2004). *Understanding words that wound*. Boulder. Westview Press.
- Eastal, Patricia, Holland, Kate, Judd, Keziah (2016). *Enduring themes and silences in media portrayals of violence against women*, *Women's Studies International Forum*, 48:103-113.
- Gagliardone, I; & Gal, D & Alves, T & Martinez, G (2015). *Countering Online Hate Speech: Unesco Series On Internet Freedom*, United Nations Education, Scientific & Cultural Organization.
- Goffman, E. (1995). "On Face- Wor: An Analysis of Ritual Elements in Social interaction. *Psychiatry Interpersonal and Biological Process*. 18(3): 213-231.
- Mondal, M., Silva, L. A., Correa, D., & Benevenuto, F (2018). *Characterizing usage of explicit hate expressions in social media*. *New Review of Hypermedia and Multimedia*, 24(2): 110-130.
- Zizek, S. (2008). *Violence six Side way Reflections*. New York: Picador.